

تقلید از «بتمن» برای هولمز ناممکن است؟
چهره تهدیدآمیز یک پرشش ناتمام

حامد کیا

■ چندی پیش وقتی عده‌ای در سینمای قرن ۱۶ در شهر آرورا کلرادو آمریکا مشغول دیدن آخرین فیلم از سری فیلم‌های «بتمن» یعنی «شوالیه تاریکی برمی‌خیزد» به کارگردانی کریستوفر نولان بودند مردی ۲۴ساله با ماسک جوکر، جلیقه ضدگلوله و اسلحه‌وارد جمعیت شده، پس از پرتاب گاز اشک‌آور، جمعیت حاضر در سینما را به رگبار بست. بر اثر این حادثه بیش از ۱۰۰انفر در حضور «بتمن» آن «شوالیه تاریکی» روی پرده سینما کشته و حدود ۵۸ نفر زخمی شدند. این حادثه صرفا یک خوراک خبری تاب برای صفحه حوادث روزنامه‌ها نیست و می‌توان با نگاهی جزئ‌نگرتر چهره تهدیدآمیز پرسش‌هایی را در پیروان مساله شر، تروریسم، آناشیزسم و نیم‌دوجین از مفاهیمی که انسان مدرن با آنها درگیر است، دید. و کافی است که یک پاسخ حداقلی به یکی از این پرسش‌ها داد و توسط پرسش‌های دیگر محاصره شد. اما در این مجال ظاهرا گریزی از این نیست که تنها یک پرسش مطرح‌شده، امکان‌های پاسخگویی به آن را بررسی کرد. پرسیدنی است که اساسا «جیمز هولمز» این قهرمان غیرسینمایی چرا بتمن را مورد تقلید نداده و سراغ ضدقهرمان فیلم یعنی جوکر می‌رود؟ چرا جوکر برای تقلید دم دستنی‌تر است تا بتمن؟ این سیستم چه بنیاد یا خصوصییتی دارد که هولمز وقتی در دل آن پرورش می‌یابد بتمن را نمونه‌سازی کرده، سراغ جوکر می‌رود؟

وقتی سرمایه‌داری برای رها نشدن پلیدی برای خود یک قهرمان می‌سازد آن قهرمان یک قهرمان رها نیست. اگر به سپورمن، بتمن یا مرد عنکبوتی مراجعه کنیم هر کدام دارای قدرت فرانسسانی هستند که وجه بارز آن قدرت پرواز است یا هر کدام دارای ابزاری هستند که ترکیبی از تکنولوژی و سیستم خاصیت بدنی آنهاست. این ابرانسان‌ها



برای مبارزه با شرارت و پلیدی‌هایی می‌آیند که محصولی زمینی داشته و کاملا روی زمین تولید می‌شوند.ضدقهرمانان اما جز بمب و سلاح‌های گرم و سرد ابزار خاصی برای تهدید یا مقابله جدی با این قهرمانان ندارند و البته حتی درصورت داشتن تسلیحاتی جدی می‌تواند تهدیدی متوجه قهرمان باشد، اما در پایان این فراقهرمان یا ابرانسان است که مسلط بر شرایط حاکم، از یک موضع بالاتر بر همه چیز نظاره می‌کند.

برای سیستم سرمایه‌داری البته خبری درست است که سرمایه‌گذاری را تضمین کند؛ از این منظر انواع شرکت‌های بیمه‌ای تلاش خود را بر تضمین آینده شهر متمرکز می‌کنند. در یک بررسی تطبیقی شاید بتوان این تضمین‌ها را شکلی از تضمین‌های ابرقهرمانی دانست که تاکنون آسایش را به شهروندان متبوعش ضمانت می‌کنند؛ طبعا کنش جیمز هولمز، تقلید جوکر است؛ ضدقهرمانی متغور که آینده را به هم می‌ریزد و هیچ نیروی برتر و ابرانسانی‌ای هم برای سیستمی که خود موجد این قهرمان و ضدقهرمان بوده، متصور نیست تا شهر و شهروندانش را نجات دهد. تنها پلیس است؛ تنها پلیس با کلی از فراوانی جیغ و خون. در سرمایه‌داری تنها جوکر است که واقعیت دارد چون بدن او عین بدن مردم روی زمین و عادی است. او پرواز نمی‌کند و دارای آزمایشگاه مجهزی نیست تا برای او ابزار و تکنولوژی‌های پیشرفته بسازند. او دارای اتومبیل‌های ویژه نیست؛ جوکر تنهاست و او تنها قدرت دیوانگی دارد؛ قدرت آشفتگی. این قدرت آشفتگی است که او را زمینی می‌کند و می‌تواند دربرابر هر گلوله اسلحه‌اش بیشترین کشتار را انجام دهد. او تنهاست بدون اینکه هیچ قهرمانی اعم از بتمن و مرد عنکبوتی و ۰۰۷ و... در برابرش قدعلم کرده در زندگی روزمره مردم امنیت و آرامش را تضمین کند؛ و البته دیگر نیاز چندانی به تجهیزات خاص ندارد. کافی است هولمز دارای قدرت «روز-مرگی» آشفتگی انتخاب‌های سرمایه‌دارانه، قدرت باشد، تا بتوان تمسخر و وهن او را ذیل ناشی یعنی JOKER «تهدید؛ مُسخر «روز-مرگی»» نهادهای تضمین‌گر، چه اینکه این نهادها (برخلاف بتمن که تفوقی ضمنی بر ضدقهرمانان دارد) بعد از ویرانی حضور می‌یابند؛ ویرانی‌ای که شاید برآیند همین وضعیت باشد. در چنین وضعیتی طبیعی است که در عصر تضمین سرمایه‌داری برای حفظ سیستم تنها جوکر‌ها واقعیت دارند و پلیس‌هایی که جوکر‌ها را دستگیر کنند و شرکت‌های بیمه‌ای که خسارت‌های جوکر را بیمه کنند. شاید سال‌ها طول بکشد تا دریغ از رهاشدگی نمود پیدا کند؛ و انسان معاصر از نهاد برآرد و بگوید دریغ که در جهان رهاشده از بتمن و سلطه نهادهایی چون شرکت‌های بیمه به سر می‌بریم. او از این دنیای فراوانی جیغ و خون...



مسعود رفیعی‌طالقانی

جهان امروز به طرزی ناباورانه و به گونه‌ای سیستماتیک دچار نوعی اِزهم‌گسیختگی و هزارپارگی است، درست برخلاف آنچه گفته می‌شود که آدم‌ها همه در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنند!
بله درست است، اما این یک دهکده است با هزاران محله ناهمگون! شاید نباید تردید کرد که کشور‌های همسایه یا حتی شهر‌های مجاور هم، از حال یکدیگری خبر ندارند. جشن باشکوه افتتاحیه المپیک ۲۰۱۲ لندن (با آن ظرافت‌های فرهنگی عجیب‌اش! که هنوز هم قاطعانه خوی امپریالیستی دهه‌های ماضی را در خود داشت اما می‌خواست آن را پنهان کند) در فصل درگیری‌های سوریه، جنگ خونین در برمه، بهره‌کشی از ایالات متحده تا کره شمالی، لیبرال کمونیسم چینی، بنیادگرایی در نقاط متعددی از آسیا و آفریقا و بسیاری موارد دیگر نشان می‌دهد که انسان امروز نه به جست‌وجوی عدالت است، نه به همنوع خود فکر می‌کند، نه حقوق دیگری را به رسمیت می‌شناسد، نه فلات را دشمن می‌پندارد و نه هیچ چیز دیگر! حال آنکه داعیه‌دار تمام این آگاهی‌هاست و البته مسئولیت داشتن این آگاهی را نمی‌پذیرد. مساله امروز این‌گونه تعریف می‌شود که: «می‌دانم ولی نمی‌خواهم بدانم، بنابراین نمی‌دانم!»

هر یک از ما تجربه‌ای را از درون، از زندگی شخصی خود داریم و یا حتی از سازمانی که تحت آن فعالیت سیاسی کرده‌ایم و... مثل مجموعه کتاب‌هایی که با عنوان نگاهی از درون به جنبش چپ ایران به کوشش «حمید شوکت» منتشر شد و شرح حال افرادی بود که روزگاری در «سازمان انقلابی حزب توده ایران» فعالیت کرده بودند. این تجربه زندگی شخصی و سازمانی و... از درون، با روایتی همراه می‌شود که بخش‌هایی از آن شاید داستان‌هایی برای توجیه اقدامات ما باشد، اما باید دانست که این روایت یک دروغ محض است زیرا به قول ژیزک، باید حقیقت را در بیرون و در آنچه انجام می‌دهیم، بجویم؛ به این ترتیب، ما همواره با روایت‌ها و داستان‌هایی روبه‌رو بود‌ایم که بیشتر به کار توجیه اقدامات افراد آمده‌اند اما پوستین حقیقت بر تن دارند.

سیاست امروز جهان، به تعبیر ژیزک، سیاست پسا سیاسی زیستگانی است. او در تعریف این اصطلاح پیچیده نظری می‌گوید: وقتی سطح مفر سیستم مدیریت و هماهنگی سیاست زدایی شده و عینی منافع در جامعه بگیریم، یگانه راه شور بخشیدن به این حوزه و بسج فعالیت مردم، توسل به ترس است، پس سیاست پساسیاسی زیستگانی در نهایت سیاست هراس خواهد بود. به این ترتیب باز به تعبیر او، جاریت در سده بیست‌ویکم، «دموکراسی» نامیده می‌شود. گویی یک جامعه همبسته

معنویت قدسی (۵)

معنویت و عقلانیت



ابوالقاسم فتاحی

رابط و نسبت معنویت با عقلانیت از جهات بسیاری اهمیت دارد.

اولا، همان‌گونه که معنویت از مقومات هویت انسانی است، عقلانیت هم از مقومات هویت انسانی است. بنابراین، حفظ هویت انسانی و رشد آن اقتضا می‌کند که بگوئیم بین معنویت و عقلانیت جمع کنیم. ثانیا، تنها معیاری که براساس آن می‌توان «معنویت» را از «خرافانه‌پیشی» و «خرافه‌پرستی» تفکیک کرد، عقلانیت است؛ یعنی با صرف‌نظر از عقلانیت هیچ فرقی بین سبک زندگی معنوی و سبک زندگی مبتنی بر خرافات باقی نخواهد ماند. معنویت قدسی هم که صورت‌بندی خاصی از معنویت است از این قاعده‌مستثنا نیست.

ثالثا، چنانکه «سناد ملکیان» گفته‌اند، افول تمدن‌های بزرگ به خاطر این بوده است که در این تمدن‌ها یکی از دوفضیلت بزرگ معنویت یا عقلانیت مغلوب دیگری شده است. انسان‌های مدرن و جوامع مدرن نیز اگر بخواهند به حیات خود به نحوی شایسته‌ادامه دهند، ناگزیرند بین این دو فضیلت جمع کنند و هر دو را با هم داشته باشند.

اما نکته مهم این است که معنویت و عقلانیت در عرض یکدیگر نیستند، بلکه در طول یکدیگر قرار دارند، یعنی عقلانیت چارچوب معنویت است. پیش‌تر وقتی دین مطلوب را تعریف می‌کردیم، گفتیم که دین مطلوب دو ویژگی اساسی دارد: یکی محتوا و این محتوا (و برآمده از تجربه معنوی) است و دوم اینکه چارچوب آن عقلانی است یعنی با عقلانیت تعارض ندارد. منظور از اینکه محتوای دین باید معنوی باشد این است که معنویت روح(گوهر) دین است، یعنی چیزی است که به کالبد (جسد دین) حیات و معنا می‌بخشد. اما برای اینکه دین معنوی باشد، همه اجزای آن باید معنوی باشد. بنابراین، معنویت قدسی را می‌توان تفسیر معنوی سر تا پای دین دانست. در این نظریه کل آموزه‌های دینی اعم از آموزه‌های اعتقادی، اصول دین و آموزه‌های رفتاری، فروع دین تفسیر معنوی می‌شوند. از اندیشه خدا، نبوت و معاد گرفته تا آداب، مناسک دینی، عبادت‌ها و ریاضت‌ها همه وقتی جاندار و معنادار

اندیشه

جهان سیاست‌زدایی‌شده‌ای که المپیک در آن برگزار می‌شود

می‌دانم... پس نمی‌دانم!



اصیل، که در ابتدای این نوشتار شرح حالش رفت، تنها در شرایط تهدید دایمی و در حالت فوق‌العاده همیشگی، امکان‌پذیر است. مانند دهه‌ها حالت فوق‌العاده در مصر تحت زمامداری «حسنی مبارک» یا برخی کشور‌های دیگر، این را البته بی‌تردید باید به نگاهی جهانی به کل کره زمین تعمیم داد و سیاست ژاندارم‌هایش! که دهه‌هاست تنها امواج سیاست هراس را انتشار داده‌اند. با این تفاوت که در عصر کنونی جای یک شر با شر دیگر عوض می‌شود. داریوش شایگان در کتاب «هویت چهل تکه» کوشید خواننده را با ساحت هزار فرهنگی جهان مواجه و آشنا کند و از اسکیزوفرنی فرهنگی و اعوجاج درافتادن تصاویر فرهنگ‌ها روی هم، به موزاییکی شدن فرهنگ‌ها رسید و اینکه امروزه فرهنگ‌های گونه‌گون چارهای ندارند تا یکدیگر را به رسمیت شناخته و در کنار هم به حیات خویش ادامه دهند. اما آیا به راستی در جهانی که یک

یا حداکثر چند ژاندارم قوی جثه‌ا دارد، مساله این است؟ آیا درد در آنجا است که فرهنگ‌ها باید به کنارهم‌نشینی عادت کنند و یکدیگر را ببپذیرند؟ تازه از آن دل این‌پذیرش، مفاهیمی همچون دموکراسی، آزادی و عدالت سرر بر کشند، قطعا و یقینا کمتر کسانی طالب آنند که برای مثال سرزمین و فرهنگ‌شان تافتاهی جذاب‌فته از سایر نقاط جهان باشد و در انزوا ی سیاسی و بین‌المللی زیست کنند و ساحت مفاهیم سیاسی را درپایند اما روی دیگر این سکه، نقشی حک شده است که نشان می‌دهد، گردانندگان

تلقی رشک‌ورزانه نسبت به عدالت است و در واقع آرزومند سهم برابر از ممنوعیت زندگی.

حالا با این مقدمه، تعمیم دادن سیاست جهانی به گوشه‌گوشه فرهنگ‌های به تعبیر شایگان موزاییکی، کار دشواری نیست. این فرهنگ‌ها گرچه شناختی از یکدیگر ندارند اما در جهان تحت سیطره ژاندارم‌های بزرگ، همه از کمبودها و فقدان‌های مشابه رنج می‌برند و در نهایت همه به جان هم می‌افتند. معنای این اما چیزی شبیه به نظریه برخورد تمدن‌ها و امثال آن نیست، زیرا این نظریات همانا مروج همان سیاست پساسیاسی زیستگانی لیبرالی بوده‌اند. معنای این به جان‌هم‌افتادن وجهی از خشونت است که «سلاوی ژیزک» آن را خشونت کنش‌پذیرانه و نه کنش‌گرانه می‌داند. خشونتی نه عریان که سطح فهم‌های اخلاقی آدم‌ها را دستمالی کند و آنها را به انزجار لحظهای و تائر و درمندی برساند، بلکه خشونتی زیر پوست زندگی، مساله امروز، آدم‌هایی هستند که مسوولیت آگاهی‌های خود را نمی‌پذیرند و درون‌شان داستان‌هایی را می‌پرورند که وقایع زندگی و اعمال‌شان را توجیه کنند و این یکی از اساسی‌ترین آفت‌های جهان سرمایه‌سالار مصرف‌گرایی کنونی است زیرا در نهایت همه چیز باید به سودبیشتر ختم شود. چندی پیش یکی از رسانه‌های جهانی در گزارشی تالش‌های ایالات متحده برای جلوگیری از گسترش بی‌خامان‌های این کشور که به گواه آمار جمعیتی بیش از دو میلیون نفر را تشکیل می‌دهند را نشان داد. این گزارش به معرفی موسسه‌ای ۱۴۰ ساله می‌پرداخت که در تلاش بود تا به وضع بی‌خامان‌ها رسیدگی کند. آیا همین تلاش در خود انکار این حقیقت را نهفته نداشت که، چه کسانی بی‌خامانی را به وجود آورده‌اند؟

شورش‌های رخ داده در چند سال گذشته در پاریس و لندن ریشه در هیچ‌گونه‌اعتراض ومطالبه‌مشخص اقتصادی – اجتماعی یا حتی چیزی مثل بنیادگرایی نداشت و نیز پیوستگی ارزشن با مفهوم اراذل و اوباش، بلکه صرفا، در اثر انباشتگی حد در حال انفجار یأس و سرخوردگی بود. تلاشی بی‌واسطه همانند تلاش شخصیت جوان رمان ۱۹۰۰ «چه باید کرد» چرنیشفسکی که ناگهان در خیابان گلوی یک افسر نظامی را می‌چسبد. این انباشتگی یأس است که ضربه زدن به نظامی که طرف اقتدار در جامعه‌ای تنیده تا خیلی‌ها دیده نشوند را مطالبه می‌کند.

با اینن توضیح درامدگونه و شاید بهتر است با مدد گرفتن از موسیقی دستگاہی ایرانی بگویم پیش‌درآمدگونه، می‌توان دریافت که دهکده جهانی که می‌گویند پیوستگی‌اش غیرقابل انکار است، در چه چیزی پیوسته است؟ بی‌تردید باید گفت در انباشت هولناک یأس و نیز مسوولیت‌ناپذیری ژاندارم‌های بزرگ جهانی و کوچک منطقه‌ای‌اش! گرچه این نوشته و هر نوشتار دیگری که مسوولیت آگاهی خود را نپذیرد، دروغی هولناک خواهد بود.

عمودی:

۱- قشنگ و زیبا- شبه جزیره اروپایی- ۲- ضمیر سوم شخص مفرد- لیست- مخترع ماشین حساب ۳- ستایش- جمله‌های قرآنی- ترسان ۴- ابزار اضافه لازم- مترجم- پارچه مالیدنی ۵- از نازل شدنی‌ها- آفتاب نیست- درختی است بلند با چوبی سیاه رنگ- می‌دهند تا رسوا کنند ۶- پیشوند منفی- تابع- واحد وزن- بخیه درشت ۷- دلدار- سبزی پیچیده- فتنه

افقی:

۱- چاخان- مادر کرووش ۲- تکرار یک حرف- راهنمایی کردن- طایفه‌ای از ترکمانان ۳- نیروگاه شمال- رودی در لهستان- اصلاح عکس ۴- مار سمی خطرناک مقابل دیو زاد- بهره وام ۵- حیرت و شگفتی- شهری در چین- پراکندگی، تفرق- از خواهران برونه ۶- پرگویی- نرده- مراقب ۷- شهری در آرژانتین- دزد کمپیوتری- کاله فرنگی ۸- حاصل- طبل بزرگ- چشم بره ۹- مادر عرب- بطور کلی- رقص ۱۰- جسم فلزی نرم و سبک- راست نیست- نقشه انگلیسی ۱۱- ویتامین انعقاد خون- تهی انگلیسی- تاسیس‌کننده- کالدم موزون ۱۲- انتقال روح- اسید ترتریک- پرنده خوش خوراک ۱۳- همسایه دهگان- تبق زدن- سبزی نقلی ۱۴- دارایی کسی- خوراکی از تخم مرغ- آب بند ۱۵- زندان- از سلاطین ایران که بتخانه سومات هند رافتح کرد

حل جدول ۱۵۷۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵
۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰
۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵
۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰
۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵
۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰
۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵
۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰
۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰
۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵
۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰
۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵
۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳	۳۲۴	۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰
۳۳۱	۳۳۲	۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	۳۳۷	۳۳۸	۳۳۹	۳۴۰	۳۴۱	۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵
۳۴۶	۳۴۷	۳۴۸	۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱	۳۵۲	۳۵۳	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۸	۳۵۹	۳۶۰
۳۶۱	۳۶۲	۳۶۳	۳۶۴	۳۶۵	۳۶۶	۳۶۷	۳۶۸	۳۶۹	۳۷۰	۳۷۱	۳۷۲	۳۷۳	۳۷۴	۳۷۵
۳۷۶	۳۷۷	۳۷۸	۳۷۹	۳۸۰	۳۸۱	۳۸۲	۳۸۳	۳۸۴	۳۸۵	۳۸۶	۳۸۷	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰
۳۹۱	۳۹۲	۳۹۳	۳۹۴	۳۹۵	۳۹۶	۳۹۷	۳۹۸	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۱	۴۰۲	۴۰۳	۴۰۴	۴۰۵
۴۰۶	۴۰۷	۴۰۸	۴۰۹	۴۱۰	۴۱۱	۴۱۲	۴۱۳	۴۱۴	۴۱۵	۴۱۶	۴۱۷	۴۱۸	۴۱۹	۴۲۰
۴۲۱	۴۲۲	۴۲۳	۴۲۴	۴۲۵	۴۲۶	۴۲۷	۴۲۸	۴۲۹	۴۳۰	۴۳۱	۴۳۲	۴۳۳	۴۳۴	۴۳۵
۴۳۶	۴۳۷	۴۳۸	۴۳۹	۴۴۰	۴۴۱	۴۴۲	۴۴۳	۴۴۴	۴۴۵	۴۴۶	۴۴۷	۴۴۸	۴۴۹	۴۵۰
۴۵۱	۴۵۲	۴۵۳	۴۵۴	۴۵۵	۴۵۶	۴۵۷	۴۵۸	۴۵۹	۴۶۰	۴۶۱	۴۶۲	۴۶۳	۴۶۴	۴۶۵
۴۶۶	۴۶۷	۴۶۸	۴۶۹	۴۷۰	۴۷۱	۴۷۲	۴۷۳	۴۷۴	۴۷۵	۴۷۶	۴۷۷	۴۷۸	۴۷۹	۴۸۰
۴۸۱	۴۸۲	۴۸۳	۴۸۴	۴۸۵	۴۸۶	۴۸۷	۴۸۸	۴۸۹	۴۹۰	۴۹۱	۴۹۲	۴۹۳	۴۹۴	۴۹۵
۴۹۶	۴۹۷	۴۹۸	۴۹۹	۵۰۰	۵۰۱	۵۰۲	۵۰۳	۵۰۴	۵۰۵	۵۰۶	۵۰۷	۵۰۸	۵۰۹	۵۱۰
۵۱۱	۵۱۲	۵۱۳	۵۱۴	۵۱۵	۵۱۶	۵۱۷	۵۱۸	۵۱۹	۵۲۰	۵۲۱	۵۲۲	۵۲۳	۵۲۴	۵۲۵
۵۲۶	۵۲۷	۵۲۸	۵۲۹	۵۳۰	۵۳۱	۵۳۲	۵۳۳	۵۳۴	۵۳۵	۵۳۶	۵۳۷	۵۳۸	۵۳۹	۵۴۰
۵۴۱	۵۴۲	۵۴۳	۵۴۴	۵۴۵	۵۴۶	۵۴۷	۵۴۸	۵۴۹	۵۵۰	۵۵۱	۵۵۲	۵۵۳	۵۵۴	۵۵۵
۵۵۶	۵۵۷	۵۵۸	۵۵۹	۵۶۰	۵۶۱	۵۶۲	۵۶۳	۵۶۴	۵۶۵	۵۶۶	۵۶۷	۵۶۸	۵۶۹	۵۷۰
۵۷۱	۵۷۲	۵۷۳	۵۷۴	۵۷۵	۵۷۶	۵۷۷	۵۷۸	۵۷۹	۵۸۰	۵۸۱	۵۸۲	۵۸۳	۵۸۴	۵۸۵